

تفسیر سورہ

کافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿۲﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۳﴾ وَلَا أَنْتُمْ
عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿۴﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿۵﴾ وَلَا أَنْتُمْ
عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿۶﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

بگو: ای کافران! من نمی پرستم آنچه شما می پرستید. و نه شما می پرستید
آنچه من می پرستم. و نه من می پرستم آنچه را شما پرستش کرده‌اید. و نه
شما می پرستید آنچه را من می پرستم. (حال که چنین است) آیین شما
برای خودتان و آیین من برای خودم.

نکته‌ها:

- در شأن نزول این سوره آمده است که بعضی از سران قریش به پیامبر گفتند: ای محمد تو یک سال از آیین ما پیروی کن، ما سال بعد از تو پیروی می‌کنیم. آنگاه هر کدام بهتر بود آن را ادامه می‌دهیم، اما پیامبر نپذیرفت. گفتند: لا اقل خدایان ما را مس کن و تبرک بجوی تا ما نیز خدای ترا بپرستیم، در این هنگام این سوره نازل شد.
- کلمه «قل» اندکی از کینه کفار نسبت به پیامبر می‌کاهد، زیرا می‌فهمند که سرکارشان با خداست و پیامبر تنها مأمور است.
- گاهی باید مخالفان را به حال خود رها کرد و گفت: ﴿لکم دینکم﴾ چنانکه در سوره قصص آیه ۵۵ می‌خوانیم: ﴿لنا اعمالنا و لکم اعمالکم﴾ و این نوعی تحقیر و تهدید است نه اجازه برای هر نوع عمل و عقیده.

□ در مواردی از قرآن تکرار برای تأکید است، نظیر: ﴿کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾^(۱) و ﴿فَقَتْلَ كَيْفٍ قَدَّرَ ثُمَّ قَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ﴾^(۲) در این سوره نیز تکرار می‌تواند برای تأکید باشد تا مشرکان از تسلیم شدن مسلمانان قطع امید کنند و می‌تواند برای تلقین استقامت به مؤمنان باشد تا در مواضع خود پایدار بمانند.

□ خبر از ایمان نیاوردن گروهی از کفار، بارها در قرآن مطرح شده است، از جمله آنها آیه ششم سوره بقره و آیه هفتم سوره یس است که با صراحت می‌فرماید: ﴿فَهَمَّ لَا يُؤْمِنُونَ﴾

پیام‌ها:

- ۱- پیامبر اکرم امین وحی است و هر چه به او نازل شود بازگو می‌کند. ﴿قُلْ﴾
- ۲- مسلمانان باید در برابر پیشنهادات غیر منطقی، صریح و قاطع پاسخ بگویند و دشمنان را از خود مأیوس نمایند. ﴿لَا اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾
- ۳- به نام وحدت، نباید از اصول و ارزشها سرپیچی کرد. ﴿لَا اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾
- ۴- دنیای کفر باید از تسلیم شدن مسلمین مأیوس باشد. ﴿لَا اَعْبُدُ... و لَا اَنَا اَعْبُدُ﴾
- ۵- اعلام براءت از کفار باید مکرر و مؤکد و علنی باشد. ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾
- ۶- در دین معامله نکنید، با دشمن سازش و مدافعت نکنید و در برابر تکرار پیشنهادهای نابجا، شما نیز موضع خود را قاطعانه تکرار کنید. ﴿لَا اَعْبُدُ... لَا اَنْتُمْ اَعْبُدُونَ... و لَا اَنَا اَعْبُدُ...﴾
- ۷- به خاطر جذب دیگران، دست به هر کاری نزنید. ﴿لَا اَعْبُدُ... و لَا اَنْتُمْ اَعْبُدُونَ﴾
- ۸- قرآن از غیب خبر می‌دهد. حتی یک نفر از پیشنهاد دهندگان، حاضر به اسلام آوردن نشد. ﴿وَلَا اَنْتُمْ اَعْبُدُونَ مَا اَعْبُدُ﴾
- ۹- پایداری و قاطعیت، شرط رهبری است. ﴿وَلَا اَنَا اَعْبُدُ...﴾
- ۱۰- عبادت و بندگی خدا، ملاک تمایز مؤمن از کافر است. آن که ادعای ایمان

می‌کند اما نماز نمی‌گزارد، در ادعایش شک کند. ﴿یا ایها الکافرون... لا انتم عابدون ما اعبد﴾

۱۱- انسان در انتخاب دین آزاد است نه مجبور. ﴿لکم دینکم ولی دین﴾

۱۲- باید صف‌ها از هم جدا شود، حق از باطل و کفر از ایمان متمایز شود. ﴿لکم

دینکم ولی دین﴾

۱۳- معبود هر کس، بیانگر دین و آیین اوست. ﴿لا انا عابد... لا انتم عابدون... لکم

دینکم ولی دین﴾

«والحمد لله رب العالمین»